

گفتیم که اگر یک انسان با یک شخصیت واقعی بخواهد نقش دیگران را بازی کند باید خود را در آن جامعه درآورد و کاملاً به قواعد بازی آن نقش وارد باشد تا بتواند از عهده آن نقش برآید. هنرپیشه‌ای که می‌خواهد نقش یک ژورنالیست حرفه‌ای یا سیاستمدار کهنه کار را بازی کند و نیز مهندس میکائیکی که می‌خواهد نقش یک فوتبالیست حرفه‌ای را بازی کند، صد البته باید به قواعد بازی آن نقش کاملاً مسلط باشد تا از عهده آن نقش برآید. در واقع، این تعویض نقش‌ها در زندگی، که همه ما کم و بیش با آن مواجهیم و ایفای نقش می‌کنیم، بیانگر درونی کردن مکانیسم‌های جامعه‌پذیری در ماست و نشانه این است که افراد می‌توانند در قالب و نقش دیگری درآیند و از عهده نقشی آنان برآیند و سرانجام، بیانگر جامعه‌پذیری فرد مذکور است. کودکی که توانسته نقش مادر یک عروسک را بازی کند، در واقع، او می‌تواند و توانسته است فردی اجتماعی باشد. از این‌رو، اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری، پذیرش و ایفای نقش‌های متنوع و گوناگونی است که در جامعه به فرد محول و واگذار می‌شود. از این‌رو، کارمند ساده‌ای که از امروز قرار است نقش رئیس یک اداره را بازی کند و... همه و همه بیانگر فرایند جامعه‌پذیری است.

چگونه یک هنرپیشه نقش یک ژورنالیست را بازی کند؟

اگر یک هنرپیشه در جامعه و لباس یک ژورنالیست حرفه‌ای بخواهد نقش آفرینی کند، باید کاملاً از مکانیسم‌ها و قواعد بازی ژورنالیستی آگاه باشد و بی‌کم و کاست از عهده این نقش برآید. امروزه بسیاری مدعی ژورنالیست حرفه‌ای هستند و در واقع، چند صباحی است که این حرفه در جامعه ما سکه رایج شده است. بی‌شک مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است و بی‌شک امروزه از این رکن چهارم دموکراسی بسیاری نان می‌خورند و نقش یک ژورنالیست حرفه‌ای را بازی می‌کنند، اما به راحتی نمی‌توان هر روزنامه‌نگار را با مهر ژورنالیست مختم کرد. چه برخی از ایشان در عین آشنایی با قواعد علمی و حرفه‌ای ژورنالیستی از نگرش علمی به این حرفه بیگانه و بی‌بهره‌اند. البته، بسیاری نیز با انگیزه‌های نیک به میدان آمده‌اند و چه بسا آلام و ناکامی‌هایی را نیز به جان خریده‌اند، اما بسیاری از ایشان صرفاً ادای ژورنالیست را درمی‌آورند. با همه این احوال، این قلم صرفاً از منظر کارکرد گرایانه و نه ارزش مدارانه با این موضوع روبروست که اوصاف و خصوصیات فرهنگ ژورنالیستی چگونه فرهنگی است؟ و اگر مثلاً یک هنرپیشه و یا مهندس میکائیک بخواهد نقش یک ژورنالیست را بازی کند باید چه کند؟

توجه به چند نکته در این زمینه ضروری است: ۱. گفتیم که یکی از مکانیسم‌ها و عوامل جامعه‌پذیری، عواطف و احساسات است. نگرش ژورنالیستی نیز بر عاطفه و احساسات استوار است. یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای با عبارات مبالغه‌آمیز و بازی با کلمات و الفاظ و استفاده از الفاظ زیبا و در عین حال، مبهم، در تلاش است تا احساس خواننده را درگیر موضوع و یا حادثه مورد نظر او کند و خود را بسان پُر کاهی بر امواج کلمات و الفاظ پیش برد. ژورنالیست حرفه‌ای با تخلیه هیجانات، ارضای خواست‌های فرو خفته، واژه‌سازی برای فریادهای خاموش، برای دردهای جامعه همت می‌گمارد. همو با خرد تنزل یافته در سطح احساس با خواننده و مخاطب خویش روبرو می‌شود و در مخیله او وارد شده و کلید جانش را می‌رباید. در برخورد با واقعیت‌های اجتماعی، ژورنالیست حرفه‌ای با برخورد احساسی و تحریک عواطف و احساسات طرف مقابل، بخش و جزیی از یک واقعیت را برش زد، و سایر بخش‌ها و قطعه‌های دیگر واقعیت را به عمد و یا به غفلت نادیده می‌انگارد و همین بخش را با رنگ و لعاب خاص ژورنالیستی و بزرگ‌نمایی و غوغا آفرینی و با برخورد احساسی چنان اغراق‌آمیز جلوه می‌دهد که گویی همه واقعیت همین است. این همه، در پرتوی بازی با عواطف و احساسات مخاطبان میسور است و این‌گونه واقعیت‌های اجتماعی در دام‌ها و تورهای تقطیع و اغراق‌گویی یک ژورنالیست حرفه‌ای گرفتار آمده‌اند.

بنابراین، اگر یک فوتبالیست و یا هنرپیشه و یا هر کس دیگر بتواند مخاطب خود را خوب بشناسد از عواطف و احساسات و نیازهای درونی او کاملاً آگاه بوده، دردشناس و مخاطب‌شناس باشد، بتواند وارد مخیله مخاطب شده و از احساسات درونی او کاملاً آگاه شود، واقعیت‌های اجتماعی را نیز کاملاً بشناسد، دستی نیز در قلم داشته باشد، اهل مقاطعه کاری و مغالطه کاری بوده، بتواند بخشی از واقعیت‌های اجتماعی را با تقطیع و برخورد احساسی با بزرگ‌نمایی آن بخش و نادیده‌انگاری بخش دیگر، همه واقعیت را در آن بخش مورد نظر جلوه دهد، یک ژورنالیست کاملاً حرفه‌ای خواهد بود و این‌گونه، این هنرپیشه و یا فوتبالیست حرفه‌ای توانسته است، یک ژورنالیست حرفه‌ای باشد.

تسلیات

کاملاً

چگونه

نقش بازی می‌کند؟

محمد فولادی

